

## شبکه‌های اجتماعی؛ همبازی جدید کودکان



اسمشان را گذاشته‌اند کودکان مشهور. یکی از همان کودکان مشهور در فضای مجازی رکورد زده است و بیش از 200 هزار نفر از صفحه اینستاگرام او دیدن می‌کنند؛ صفحه‌ای که کارش به اشتراک گذاشتن عکس‌های شخصی و غیرشخصی است.

اسمشان را گذاشته‌اند کودکان مشهور. یکی از همان کودکان مشهور در فضای مجازی رکورد زده است و بیش از 200 هزار نفر از صفحه اینستاگرام او دیدن می‌کنند؛ صفحه‌ای که کارش به اشتراک گذاشتن عکس‌های شخصی و غیرشخصی است.

جدای از این کودکان مشهور که والدینشان هم معمولاً افراد سرشناسی هستند، این روزها کودکان غیرمشهوری هم حضور بسیار پررنگی در شبکه‌های اجتماعی دارند. تصور این که یک کودک 10 ساله برای خودش صفحه‌ای مجزا در شبکه‌های اجتماعی داشته باشد و بی‌واسطه با کاربران پیر و جوان در ارتباط باشد، شاید تا چند سال قبل بیشتر به شکل یک شوخی مطرح می‌شد، اما حالا همین شوخی، رنگ واقعیت به خود گرفته است.

داشتن تبلت و تلفن همراه برای کودکان امروزی، رفته رفته فراگیر شده است. چشم و همچشمی هم بازار این فراگیری را داغ کرده و خیلی از خانواده‌ها تسلیم خواسته کودکانشان شده‌اند. البته برخی اوقات، خود خانواده‌ها هم بدشان نمی‌آید با خرید یک تبلت، کودک پرجنب و جوش خود را از حرکت بیندازند تا در محیط خانه، سکوت و آرامش برقرار شود. این آرامش پوشالی با غرق شدن کودک در شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی، کودک را از محیط واقعی اطرافش دور می‌کند و او را در چنان پیله تنیده‌ای فرو می‌برد که حتی پدر و مادر هم به این محیط بسته راهی ندارند.

سند ملی برای شبکه‌های اجتماعی نداریم

افراط‌گرایانه است اگر کل ماهیت شبکه‌های اجتماعی را زیر سوال ببریم و فقط به نکات منفی آن بپردازیم. خیلی‌ها از طریق همین شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی، فعالیت‌های آموزشی، علمی و فرهنگی انجام می‌دهند و عده زیادی هم با کمک همین شبکه‌های اجتماعی، روند فعالیت کاری خود را با سرعت و دقت بیشتری انجام می‌دهند. اما داستان بچه‌ها فرق دارد. آنها هنوز به قدرت تشخیص درست نرسیده‌اند و همین تشخیص ناقص و تجربه کم می‌تواند به راحتی آنها را قربانی شبکه‌های اجتماعی کند. دوستی‌های خطرناک این کودکان با افرادی که روح والدین هم از وجود آنها خبر ندارد و حضور احتمالی کودک در فضاهای غیراخلاقی در دنیای مجازی، احتمال سوءاستفاده از کودک و پذیرش هنجارهای غلط از سوی افراد کم‌سن و سال را بالاتر می‌برد. علیرضا کرمانی، پژوهشگر جامعه‌شناسی کودک و مدیرکل آموزش و پژوهش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در گفت‌وگو با جام‌جم تاکید دارد: شبکه‌های اجتماعی به خودی خود، هم فرصت هستند و هم تهدید، اما در کشور ما استفاده از این فناوری‌ها بی‌حساب و کتاب جلو می‌رود که می‌تواند سلامت روانی و اجتماعی کودکان را به خطر بیندازد.

کرمانی:

شبکه‌های اجتماعی هم فرصت هستند و هم تهدید، اما در کشور ما استفاده از آنها بی‌حساب و کتاب است و سلامت روانی کودکان را به خطر می‌اندازد

راه‌حلی که کرمانی پیشنهاد می‌دهد، تدوین سندی ملی و منشوری استاندارد برای حضور کودکان در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی است: در هیچ کجای دنیا این طور نیست که کودک بدون ضابطه از شبکه‌های اجتماعی استفاده کند. ما این ضابطه‌ها را تعریف نکرده‌ایم و خیلی اوقات، فقط شبکه‌های اجتماعی را انکار می‌کنیم، در حالی که انکار ما و ندیدن واقعیت امروز جامعه، نمی‌تواند از حجم تاثیرات شبکه‌های اجتماعی روی کودکان ایرانی بکاهد.

نیاز به کار بین بخشی داریم

این که به کودک آموزش دهیم فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی چیست و چه تاثیرات مثبت و منفی می‌تواند به همراه داشته باشد، کار یک یا دو نهاد مسئول نیست. به باور مدیرکل آموزش و پژوهش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برای ترویج فرهنگ درست استفاده از فضاهای مجازی و مصون نگه داشتن کودکان از تبعات منفی شبکه‌های اجتماعی، نیاز به کار ملی و فعالیت بین بخشی داریم.

به گفته این مقام مسئول، همه نهادهای مرتبط با تربیت کودک مثل آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رسانه‌ها و سایر نهادهای فرهنگساز باید گرد هم بیایند و استانداردی برای حضور کودکان در شبکه‌های اجتماعی تدوین کنند، اما وقتی شبکه‌های اجتماعی و تاثیرات آن را بررسی و به آنها اعتنا نکردیم، استفاده از این شبکه‌ها و فضاهای مجازی برای کودکان به شکل پدیده‌ای زیرزمینی درمی‌آید که در آن شرایط، کنترل کودکان بسیار سخت خواهد بود.

برخورد قهری جواب نمی‌دهد

کم نیستند خانواده‌هایی که از وابستگی کودکشان به فضاهای مجازی کلافه شده‌اند. خیلی‌ها ساده‌ترین راه را انتخاب و با قهر و تشر تلاش می‌کنند کودک را از اعتیاد به تبلت و موبایل رها کنند، ولی طبیعی است تا وقتی کودک امروزی توجیه منطقی نشود که چرا باید حضورش در فضاهای مجازی توأم با احتیاط و کنترل باشد، برخورد قهری نتیجه معکوس می‌دهد. دکتر جلال ساداتیان، کارشناس مددکاری اجتماعی در گفت‌وگو با جام‌جم به این مساله اشاره می‌کند و می‌گوید: برخورد قهری خانواده‌ها این مشکل را پیچیده‌تر می‌کند. اصلاً وقتی پدر و مادر خودش روش‌های درست استفاده از فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را آموزش ندیده است، چگونه می‌تواند درباره این مساله مهم به کودکش آموزش دهد؟

ساداتیان:

وقتی گفت‌وگو در کانون خانواده‌ای رنگ می‌بازد آن وقت برای کودک این خانواده، گفت‌وگو با یک غریبه در شبکه‌ای مجازی جایگزین گفت‌وگو با والدین و اعضای خانواده می‌شود

او معتقد به کار فرهنگی بلندمدت است، طوری که برخورد منطقی با شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی به شکل امری درونی و نهادینه شده در کودک دربیاید: مشکل جامعه ما این است که الگوهای تربیتی را برای آموزش اصولی کودکان معرفی نکرده‌ایم و شیوه‌های تربیتی صحیح تدوین نشده است. مطمئن باشید اگر الگوهای درست تربیتی در جامعه نهادینه شده و کودک با برخورد علمی با شبکه‌های اجتماعی آشنا باشد، آن وقت دیگر نیازی به نظارت و کنترل شدید نداریم.

نظارت کردن بر رفتار کودکان در مواجهه با فضای مجازی وقتی جواب می‌دهد که کودک درباره ماهیت مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات خوبی داشته باشد. در چنین وضعیتی، نظارت کردن می‌تواند کودک را در مسیر صحیح نگه دارد، بدون آن که تهدید و اربابی وجود داشته باشد، اما وقتی کودکی به محض دیدن شبکه‌های اجتماعی، ذوق زده و خیلی سریع شیفته این فضای جدید و ناآشنا می‌شود، تشدید رفتارهای نظارتی و کنترلی، جز خسته شدن پدر و مادر و سرد شدن رابطه فرزندان و والدین، تاثیر دیگری نخواهد داشت.

کودکانی که مهارت ارتباطی ندارند

در لاک خودش فرو رفته و سکوت در دنیای مجازی را به حرف زدن با اطرافیان ترجیح می‌دهد. از نگاه خیلی از خانواده‌ها، این بچه‌ها ساکت و آرامند و از خطرانی مثل اعتیاد به مواد مخدر یا خیابان‌گردی بی‌حاصل مصون هستند، اما خبر ندارند که همین بچه‌ها، در معرض تهدیدات بسیار بزرگ‌تری قرار دارند. کودکی که ترجیح می‌دهد تمام اوقات فراغتش را در شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی سپری کند، مهارت‌هایی مثل تعامل با اطرافیان، گفت‌وگو با همسالان و حضور فعال در جامعه را از دست می‌دهد و بسیاری از مهارت‌های اجتماعی او عقیم می‌ماند. ساداتیان هشدار می‌دهد: متأسفانه تعداد این بچه‌ها و خانواده‌ها در حال افزایش است. از آن طرف، تعداد خانواده‌هایی که با همدیگر غذا می‌خورند، با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند، در فعالیت‌های اجتماعی مختلف مشارکت دارند و اوقات فراغتشان را با همدیگر می‌گذرانند، بسیار کم شده است. به قول او، وقتی گفت‌وگو در کانون خانواده‌ای رنگ می‌بازد، آن وقت برای کودک این خانواده، گفت‌وگو با یک غریبه در شبکه‌ای مجازی، جایگزین گفت‌وگو با والدین و اعضای خانواده می‌شود.

به تعبیر دیگر، جسم کودک در خانه است، ولی دلش جای دیگر برای این کودک، الگوهای اخلاقی و رفتاری در شبکه‌های مجازی شکل می‌گیرد و نقش تربیتی پدر و مادر، روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود.

امین جلالوند